

ببرک در کلاس



محمد سبحانی
آموزگار ابتدایی و معاون
آموزشی مدرسه‌ی صدرا، قم

سال گذشته، در این مجله به انواع روش‌های طرح‌درس‌نویسی پرداختیم. برخی از آن‌ها را بیشتر توضیح دادیم و برایشان مثال‌هایی زدیم. با توجه به کاربردی بودن این مباحث و ضرورت شناخت معلمان از راهکارهایی برای تدریس بهتر، امسال نیز قصد داریم برای برخی از قالب‌های توضیح‌داده‌شده در سال گذشته دوباره مثال‌هایی کاربردی بزنیم تا در اختیار معلم‌های عزیز قرار بگیرد و بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.

خوب است قبل از شروع اشاره‌ای داشته باشیم در مورد طرح‌درس مسئله‌محور که در سال گذشته در مجلات رشد مفصل به آن پرداخته شده است:

طرح‌درس مسئله‌محور

طرح‌درس‌های مسئله‌محور (وظیفه‌محور) قالب‌های متفاوتی دارند. اگر بخواهیم در چند جمله آن قالب‌ها را تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم: «هدف از طراحی برنامه‌ی درسی مسئله‌محور ایجاد موقعیتی است که متربیان در آن بتوانند مهارت کسب شناخت یکپارچه از خود، دیگران، جهان و خدا و همچنین باورمندی و عمل به این شناخت را در بستر زندگی فردی و اجتماعی تمرین کنند.»

به عبارت ساده‌تر، برنامه‌ی درسی موقعیتی است که دانش‌آموز را به‌طور مستمر به سمت شناخت وظایفش و عمل به آن‌ها سوق می‌دهد و وقتی در مسیر عمل به وظیفه با تهدیدها یا فرصت‌هایی مواجه می‌شود، یادگیری مسئله‌محور شکل می‌گیرد. در واقع رشد و تربیت حقیقی به شیوه‌ی مسئله‌محور زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموز مسائل را با انگیزه‌ی عمل به تکلیف‌هایی حل کند که بر عهده‌ی اوست. با این توضیحات مسئله به این شکل تعریف می‌شود: «به موقعیتی که در آن برای دست‌یابی به ارزش‌های اساسی موانعی ایجاد می‌شود، مسئله می‌گوییم.»

برخی از طرح‌درس‌هایی که در قالب‌های گوناگون در سال گذشته نوشته شد نیز نوعی از مسئله‌محوری بود؛ طرح‌درس‌هایی مانند «سیرین جیرین» در قالب داستان، «جنگل چاتانا» در قالب نمایش یا تکه‌فیلم (کلیپ)، «مادرانه و جشن انقلاب» در قالب پروژه‌ی ملی و مذهبی، «ساخت ساعت و بوفه» در قالب پروژه‌ی ساخت، «بازارچه‌ی خیریه» در قالب پروژه و ...

طرح‌درس نمایش‌محور

قالب نمایش یکی از روش‌های طرح‌درس‌نویسی است که در آن، دانش‌آموزان درگیر نمایش می‌شوند و متناسب با آن، کارهای گوناگونی انجام می‌دهند و داستان را دنبال می‌کنند. نمایش، با توجه به خلاقیت مربی، می‌تواند طوری باشد که بچه‌ها آن را پیش ببرند یا اینکه داستانی از پیش تعیین‌شده داشته باشد و بچه‌ها فقط درگیر شوند و از آن لذت ببرند و کاربرد برخی از درس‌هایشان را ببینند. نمایش انواع متعددی دارد که هر نوع آن می‌تواند، برای این هدف، استفاده شود؛ مثل نمایش عروسکی، نمایش صوتی، نمایش تصویری و ...

در این مقاله می‌خواهیم به طرح‌درس مسئله‌محوری در قالب نمایش عروسکی بپردازیم:

ببرک در جنگل دور

اهداف آموزشی و تربیتی: آموزش مفهوم واحد اندازه‌گیری، تأکید بر دوستی و محبت، حل مسئله، کمک به دیگران و ...

معلم با سه عروسک وارد کلاس می‌شود. بچه‌ها از عروسک‌ها می‌پرسند و معلم پاسخ می‌دهد: «صبور باشید! کم کم متوجه می‌شوید.»

معلم صدایش را تغییر می‌دهد و با صدای نازک به جای یک عروسک شروع به صحبت می‌کند.

ببرک: سلام معلم عزیز، من اسمم ببرک و از جنگل دور اومدم اینجا.

معلم: سلام عزیزدل، خوش اومدی، پشت سرت رو نگاه کن.

ببرک: ای وای! چه بچه‌های خوب و نازی، سلام، من ببرک بچه‌های عزیز، حالتون چطوره؟ خوبید؟

بچه‌ها سلام و احوالپرسی می‌کنند و بعد در ادامه ببرک می‌گوید: خانم معلم و بچه‌ها، من از راه دور اومدم اینجا که در مورد یه موضوع مهمی باهاتون مشورت کنم و ازتون کمک بگیرم. آیا حاضرید به من کمک کنید؟

معلم: بچه‌ها، بهش کمک کنیم؟

بچه‌ها: بله

معلم: بچه‌ها قبول کردند و دوست دارند که به تو کمک کنند. حالا بگو ببینم مشکلک چیه؟ چی شده؟

ببرک: راستش تو جنگل ما چند باری دعوا شده و من از این موضوع خیلی ناراحتم.

معلم: دعوا؟ چرا؟ چه کار بدی!

ببرک: این چندمین باره که سر این موضوع تو جنگل دعوا می‌شه. برای همین، دانای سرزمینمون به من گفت که پیام اینجا تا شاید با کمک شما بتونیم مشکل جنگل رو حل کنیم؛ مثلاً الان فیلی و لاک‌پا با هم به مشکل خوردند. راستش فیلی می‌خواست خونه‌ی لاک‌پا رو بخره. خونه‌اش رو دید و کلی هم پسندید و شروع کرد به قدم‌گرفتن و گفت: «اینجا ۱۰ قدمه.» ولی یک‌دفعه لاک‌پا گفت: «نه عزیز من، اینجا حدوداً ۱۰۰ قدمه!» خلاصه سر



همین موضوع دعواشون شد. یعنی فیلی می‌گه تو خونه رو گرون می‌دی.
معلم: به نظرم بگو بیان اینجا تا با کمک بچه‌ها مشکلشون رو حل کنیم. بچه‌ها موافقید؟

بچه‌ها: بلهههه
ببرک: باشه. آقا فیله، آقا لاک پشته، بیان اینجا.

ببرک زود لاک و فیلی رو صدا می‌زند و معلم به جای فیلی و لاک هم شروع به صحبت می‌کند.

لاکی: سلام
فیلی: (عطسه می‌کند) سلام.

معلم: خب بگین بینم چی شده؟
لاکی: باباجون من خونم صد قدمه. این فیلی می‌گه ده قدمه و کوچیکه و ارزون! من خونم گرونه!

فیلی: خب راست می‌گم دیگه!
معلم: آخ! باید با هم دوست باشید. دعوا کار خوبی نیست. می‌خواید از بچه‌ها کمک بگیریم؟ بچه‌ها، حق با کدومشونه؟ نظر بدید؟

ببرک: به نظر من این مشکل باید ریشه‌ای حل بشه؛ چون چند روز پیش این مشکل واسه دو تا دیگه از حیوون‌ها هم پیش اومده بود.

معلم در اینجا از بچه‌ها می‌خواهد که وارد نمایش شوند و نظر بدهند. بچه‌ها شروع می‌کنند به نظر دادن؛ یکی از بچه‌ها می‌گوید: خب با متر اندازه‌گیری کنند. اما حیوانات جواب دادند که اصلاً نمی‌دانند متر چیست. هنوز متر به سرزمین آن‌ها نیامده است و از بچه‌ها خواستند تا راهکار دیگری بدهند.

یکی از بچه‌ها: خب، یک نفر قدم بگیره. (اگر کسی نگفت، خود ببرک بگوید).

ببرک: فکر خیلی خوبیه. من می‌گم نه حرف آقا فیلی و نه حرف لاک. به نظرم من برم قدم بگیرم. از این به بعد هم هر جا قرار شد خرید و فروش خونه باشه، من برم و قدم بگیرم. لاک و فیلی، قبوله؟

لاکی و فیلی: نههههه!
معلم: ببرک جان، فکر خوبی بود؛ اما آگه این مشکل واسه یه حیوون دیگه پیش بیاد چی؟

ببرک: باز هم من می‌رم.

معلم: آگه تو نباشی چی؟

ببرک: یعنی من بمیرم؟ واییی! (جیغ)

معلم: نه نه! یعنی مثلاً تو چند روز بری سفر، باز هم دعوا می‌شه که بچه‌ها، پیشنهاد دیگه‌ای ندارید؟

یکی از بچه‌ها: به جای این کار، از یک چوب استفاده کنید. (اگر کسی چیزی نگفت، لاک این پیشنهاد را بگوید).

لاکی: آفرین، فکر خوبیه. به جای اینکه یک نفر رو بذاریم که قدم بگیره، می‌تونیم از یک چوب استفاده کنیم.

ببرک: یعنی من چووومم؟!
معلم: فکر خیلی خوبیه!

فیلی: آگه این چوبه شکست چی؟
لاکی: می‌تونیم یه عالمه از این چوب‌ها درست کنیم.

معلم: خیلی خوبه
*** اینجا بچه‌ها مفهوم واحد را درک می‌کنند.**

معلم: خب، پس بیاید با این چوب اندازه بگیرید ببینید چند تا چوبه؟

*** معلم می‌تواند به صورت نمادین یک میز را با چوب اندازه بگیرد.**
فیلی: آقا، خونه‌ی لاک سه تا چوبه.

لاکی: چهار تاست.

ببرک: ای بابا! باز هم دعوا شد که!
معلم: بچه‌ها زشته! با هم دوست باشید.

لاکی: آقا، این فیلی می‌خواهد حق من رو بخوره.

معلم: خب، مثل اینکه راهکارتون جواب نداد. بچه‌ها، راه حل دیگه‌ای ندارید؟

ببرک: می‌تونیم چوب رو نصف کنیم. یعنی نصف چوب داشته باشیم.

معلم: آفرین ببرک جان! اما آگه باز هم به مشکل خوردن چی؟

یکی از دانش آموزان: می‌تونیم به جای چوب از نخ استفاده کنیم. (اگر کسی نگفت، لاک بگوید).

لاکی: آفرین! فهمیدم ما می‌تونیم به جای چوب از نخ استفاده کنیم و بعد این نخ رو به قسمت‌های مساوی تقسیم کنیم و تا جایی که می‌خواهیم قسمت‌هاش رو ریز کنیم. هر چقدر هم که ریزتر کنیم، جلوی دعوای بیشتری گرفته می‌شه.

معلم: آفرین! آره این فکر خوبیه. حالا اسم این نخ رو چی بذاریم؟ بچه‌ها قبلاً چنین چیزی درست شده؟ اسمش چیه؟

بچه‌ها: بله! متر.
معلم: خب، بچه‌ها این طوری متر هم تو سرزمین دور راه پیدا می‌کنه. آفرین به شما بچه‌های عزیزم! ممنون که بهشون کمک کردید.

نکته: حتماً در حین اجرای طرح درس، سعی کنید متکلم و وحده نباشید و با دانش آموزان تعامل کافی را برقرار کنید. می‌توانید به جای عروسک‌های بالا از عروسک‌های دیگر یا شکلک‌های دیگری استفاده کنید.